



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۶/۰۱

سید عظیم حسینی

درنگی بر مشکلات تجارت خارجی افغانستان از منظر تاریخی

قسمت پنجم

نظام اقتصادی رهبری شده به تدریج از طریق تطبیق دو پلان پنج ساله انکشافی نضج یافت و برغم کمبود یا ضعف بودجوی از مدرک عواید داخلی، عدم همکاریهای کشورهای خارجی بخصوص غربی در تمویل خارجی پروژه ها، بیرنگ بودن سهمگیری سکتور خصوصی و یا عدم شریک ساختن این سکتور در پروژه ها، نو آوری ها و تغییرات مثبتی در عرصه های مختلف سکتورهای اقتصادی منجمله در بخشهای زراعت، معادن، مواصلات، صنایع، انرژی، مخابرات و غیره بوقوع پیوست، ولی طوریکه انتظار برده میشد منابع و چشمه های تامین صادرات از ثبات و تنوع لازم برخوردار نگردیده و از تشکل بازماند، و به گفته حضرت ابوالمعانی بیدل :

(شب که طوفان جوشي چشم ترم امد بباد فکر دل کردم بلاي ديگر امد بباد)

هنوز نظام اقتصاد نو بنیاد به مرحله تکامل و ثبات نرسیده بود که حساس شدن روابط سیاسی با پاکستان، زمینه مداخلات آنکشور را در امور ترانزیت کالا های تجارتي افغانستان میسر ساخت و سد جدیدی در برابر صادرات افغانستان بوجود آمد که با تاسف تا تحریر این سطور پا برجاست، دوکتور سید عبدالله کاظم در این زمینه چنین نتیجه گیری کرده است :
" طرح و تطبیق پلان پنج ساله اول و قسماً پنج ساله دوم موجب تحول قابل ملاحظه در کشور گردید ولی تیره شدن روابط با پاکستان به طور روز افزون از یک طرف و بسته

شدن راه ترانزیتی مشکل اقتصادی کشور را زیاد ساخت و از طرف دیگر موجب شد تا افغانستان بیشتر به دامن شوروی بیفتد". پس از ۱۰ سال محمد داؤد صدراعظم، از اریکه قدرت بدور ساخته شد و حکومت جدید برای دوره انتقالی تحت ریاست دوکتور محمد یوسف صدراعظم روی کار آمد. دوکتور محمد یوسف صدراعظم با اعلام خط مشی و ترکیب کابینه رهبری حکومت را بدست گرفت. وی که نخستین صدراعظم غیرمنسوب به فامیل شاه بود از اقتصاد مختلط و رهبری شده یعنی سیاست اقتصادی سلف خویش پیروی نمود با تفاوت اینکه علاوه بر سکتور دولتی بخش خصوصی نیز فعالتر گردیده و سرمایه گذاریهای سکتور خصوصی در صنایع قسماً توسعه یافت. عبدالمجید زابلی بعد از سقوط حکومت محمد داؤد به وطن عودت نموده آماده همکاری با حکومت بود اما خواسته های موصوف از طرف حکومت پذیرفته نشد. موصوف که در لویه جرگه تدوین قانون اساسی سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) عضویت داشت بنابر تجارب قبلی مخالفت خویش را در مورد هر نوع مداخله دولت در اقتصاد ابراز داشت در حالیکه در گذشته از هرگونه مداخله دولت در امور اقتصادی طرفداری میکرد. فرهنگ، میر محمد صدیق - افغانستان در پنج قرن اخیر ج دوم با تصویب قانون اساسی جدید فضای باز و بهتری همرا با تامین مصئونیت سرمایه در بخش سرمایه گذاری بوجود آمد و راه برای سرمایه گذاری یکتعداد از سرمایه گذاران مساعد گردید. اما طوریکه دیده شد حرف تا عمل تفاوت فراوان داشت و قانون نافذ در بخش سرمایه گذاری بنابر عدم توجه و علاقمندی حکومت در تطبیق آن از یکطرف و ضعف های در متون آن از جانب دیگر نتوانست در جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی مؤثر واقع گردد. البته نبود زیربناها و کمبود انرژی برق از چالشهای دیگری بود که سرمایه گذاران خارجی علاقمند سرمایه گذاری در افغانستان نگردیدند. در شیوه حکومت داری و مدیریت اقتصادی حکومت پس از محمد داؤد در افغانستان بی تفاوتی در مقابل سکتور خصوصی منحصیث یک عنعنه ناپسند باقیماند و بدون تحلیل دقیق وضع اقتصادی کشور و تعیین جایگاه سکتور خصوصی در آن، بعضی بکار گیری از امکانات و تشویق این سکتور در کنار سکتور دولتی بصورت همکار فعال و پیشتاز رشد اقتصادی، سکتور خصوصی در طول حدود بیشتر از ۴۰ سال در قدمه

دوم قرارداد شده. چنانچه در حکومت بعد از محمد داود، با وصف بعضی تدابیر اتخاذ شده و تغییرات اندک در دیدگاه های حکومت، سهم سکتور خصوصی در روند رشد و انکشاف اقتصادی کمرنگ بود و از توجه خاص حکومت برخوردار نشد. در حالی که تجارت خارجی کشور بخصوص صادرات در سطح پائین قرار داشت و عواید اسعاری چه از لحاظ صادرات و چه از نگاه مساعدت های خارجی ناکافی و از طرف دیگر امکانات سرمایه گذاری های دولت محدود و تامین بودجه انکشافی برای دولت دشوار می نمود، سکتور خصوصی و امکانات آن مورد توجه حکومت قرار نگرفت و به سکتور خصوصی افغانستان منحصبت یک نیروی محرکه و یا انجن پیشتاز و حرکت دهنده اقتصاد کشور به سوی ترقی و تعالی، عطف توجه نشد و برنامه مدون استفاده از امکانات این سکتور، بوجود نیامد. با وجود فرصت های نسبتا خوب جهت سرمایه گذاری در کشور، تسهیلات لازم از طرف حکومت انزمان در جهت جلب و جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی مساعد نشد. امور اقتصادی کشور در جریان دهه دموکراسی نیز بر اساس پلان های پنج ساله تعقیب و تداوم پیدا کرد. گرچه دوکتور محمد یوسف نخستین صدراعظم دهه دموکراسی در خط مشی حکومت خود از انکشاف متوازن بخش سکتور دولتی و خصوصی یادآوری کرد اما چون این توازن قبلا نقض شده و سکتور دولتی نقش اساسی را در اقتصاد کشور بازی میکرد، بنا نمیتوانست توازنی بین این دو سکتور وجود داشته باشد. و اما نسبت به گذشته شرایط بصورت سطحی و نمایشی به قول معروف "خاله خاطرت نماند" سهلتر گردید. برمه کاری برای تفحص نفت و گاز در ولایات شمالی براه انداخته شد و تاسیس فابریکات در مزار شریف در ساحه ۶۵ هکتار زمین در دو بخش یعنی فابریکه کود کیمیاوی و برق حرارتی روی دست گرفته شد. در سال ۱۳۴۵ ه. ش، تهداب گذاری فابریکه کود ازوت بظرفیت سالانه صد هزار تن و در ۲۱ حمل ۱۳۴۶ سنگ بنای فابریکه برق حرارتی گذاشته شد. بخش اقتصادی در زمان صدارت محمد هاشم میوند وال نیز مانند سلفش از ارجحیت خاصی برخوردار نشد و به همان منوال ادامه یافت تا ولسی جرگه پس از دو سال به صدارت محمد هاشم میوند وال خاتمه داد و نور احمد اعتمادی در عقرب سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) مؤظف به تشکیل کابینه گردید.

موصوف در خط مشی خود پیرامون اهداف اقتصادی چنین توضیح نمود: این حکومت در ساحه اقتصادی از نظام مختلط و رهبری شده چنانکه در مدت تطبیق پلانهای پنجساله اول و دوم مرعی بوده است پیروی خواهد کرد. نظم اقتصادی که محمد داود صدراعظم بنیان گذاشته بود کماکان ادامه داشت و سهم سکتور خصوصی در آن کمرنگ بود.

پلان پنجساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی سوم که برای سالهای ۱۳۴۶ الی ۱۳۵۰ (۱۹۶۷-۱۹۷۱) طرح و وجوه آن بالغ بر (۲۵) میلیارد افغانی پیشبینی شده بود، بنابر یک سلسله مشکلات مالی نتوانست عملی گردد و حجم سرمایه‌گذاری کاهش یافت. از طرف دیگر وضع اقتصادی کشور بنابر خشک سالی‌های متواتر سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ (-۱۹۷۰) بدتر شد و دولت رابه چالش‌های بزرگی مواجه ساخت. دولت بمنظور تنظیم بهتر امور تجارت خارجی اعم از صادرات، واردات و ترانزیت، کارهای روبنائی را انجام داده موافقتنامه‌های را با سایر کشورها بخصوص کشور های حوزه بارتر شرکای تجاری افغانستان بامضاء رسانید. موافقتنامه‌های تجارتی اکثر طی هر سال عقد میگردد که در چوکات آن مقدار صادرات و واردات مشخص میشود و طرفین مکلف به تطبیق آن بودند. تجارت خارجی افغانستان با کشور های جهان از لحاظ موقعیت، وسیستم پرداختها به سه بازار یا حوزه تقسیم گردیده بود:

۱- حوزه هند و پاکستان:

حوزه منطوقی یا ممالک روبه انکشاف شامل هند و پاکستان در تجارت خارجی افغانستان همیشه دارای اهمیت خاصی بوده و هر دو کشور بازار های بزرگ و مساعد برای صادرات افغانستان میباشد. در حالیکه این حوزه چنین مزیت و برتری فوق العاده داشت، اما بدبختانه با چالش بزرگی نیز روبرو بود و پاکستان (ای اس ای) با تراشیدن موانع تصنعی نه تنها از صادرات افغانستان باج گیری مینمود، بلکه مانع بزرگ ترانزیت اموال افغانی به هندوستان میشد. حتی همین حالا هرگاه کدام موضوع بروفق مراد ای اس ای نباشد، مانع صادرات و ترانزیت افغانستان میگردد.

۲ - حوزه بارتر:

در گذشته، قبل از فروپاشی اتحاد شوروی در جهان عمدتاً دو سیستم متضاد اقتصادی وجود داشت بنابراین سیستم تجارت بین المللی نیز دچار دودستگی گردیده بود. روی همین علت تجارت افغانستان با این دو بلاک (سرمایه داری و سوسیالیستی) تحت نام دو حوزه صورت می‌گرفت. حوزه بارتر شامل کشورهای اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک المان، چکوسلواکیا، بلغاریا، یوگوسلاویا، هنگری، پولند، چین و غیره بود. مناسبات تجارتي بین افغانستان و این کشورها بر اساس عقده‌مواقتنامه های مبادله اجناس استوار بود و همه ساله با این کشورها پروتوکولهای جداگانه مبادله اجناس به امضاء میرسید. اقلام عمده صادراتی افغانستان به این کشورها عبارت بود از حبوبات روغنی، پشم، پنبه، پوست، کشمش، چهار مغز و سایر میوجات خشک و گاز طبیعی. گاز طبیعی یک قلم درشت صادراتی را تشکیل میداد و حدود ۴۰ درصد حجم تجارت خارجی را احتوا مینمود که صرفاً به اتحاد شوروی انوقت صادر میشد. واردات افغانستان از این کشورها شامل اقلامی چون ماشین الات، عراده جات، تراکتورهای زراعتی، ادویه، مواد انحصاری پترول و دیزل، تیل خاک، شکر و سایر اموال استهلاکی بود. درین بازار همه ساله کالاهای تجارتي بین دوکشور با همدیگرمبادله وتلاش میشد حتی المقدور کسریلانس موجود نباشد. تجارت در حوزه بارتر، طوریکه از نامش پیداست و با کشور های سوسیالیستی یا سیستم اقتصاد سوسیالیستی معمول بود، برای اینکه در معاملات تجاری این حوزه اسعار قابل مبادله (اسعار کشورهای غربی مانند دالر، فرانک فرانسوی، مارک المانی، فرانک سویسی) مورد استفاده قرار نگیرد، دالر کلیرنگ منحیث وسیله مبادله قرار می‌گرفت. دالر کلیرنگ عبارت از پول اسمی بود که در معاملات تجارتي بین افغانستان و کشور های حوزه بارتر، از طریق دافغانستان بانک و بانک های تجارت خارجی این کشورها مورد استفاده قرار می‌گرفت اما هدف اصلی همانا موجودیت وسیله مبادله اموال و کالاها بین افغانستان و کشور های حوزه بارتر بود. بعد از اضمحلال و فروپاشی اتحاد شوروی که سقوط سیستم اقتصاد سوسیالیستی را در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) در قبال داشت، سیستم

تجارت بارتر و دالر کلیرنگ نیز عملاً لغو و اقتصاد جهان عمدتاً به سوی اقتصاد بازار و یک قطبی شدن سوق گردید.

۳ - حوزه آزاد:

حوزه آزاد شامل کشورهای ایالات متحده آمریکا، فرانسه، سوئیس، اطریش، جرمنی، ایتالیا، جاپان، هالند، سنگاپور، کوریای جنوبی، مالیزیا، اندونیزیا، ایران، مصر و سایر کشورهای عربی و غیره بود. تجارت درین حوزه از طریق بانکهای افغانستان و بانکهای کشورهای غربی و سایر کشورها بر طبق سیستم تجارت جهانی انجام میشد. پرداخت هادرین عرصه به ارز یا اسعار معتبر بین المللی و بصورت عموم به دالر امریکائی صورت میگرفت، امامتکی به شرایط قراردادها این پرداخت ها، بندرت اما میتوانست به سایر اسعار معتبر و قابل مبادله چون فرانک فرانسوی، فرانک سوئیس، مارک المانی و غیره (در آن زمان ارز "یورو" هنوز بوجود نیامده بود) نیز انجام گردد. طوریکه از نام این حوزه معلوم است، مبادله اموال و معاملات تجارتي تابع هیچ نوع محدودیت و قیودات نبود. عواید اسعاری که از این حوزه مانند دالر امریکائی، پوند سترلینگ انگلیسی، فرانک فرانسوی، فرانک سوئیس، مارک المانی بدست می آمد در رشد و توانمندی اقتصادی کشور نقش عمده را ایفا مینمود. وزارت تجارت بادر نظر داشت اهمیت و نقش مبادلات تجارتي با این حوزه و تاثیر آن در انکشاف اقتصادی کشور تدابیری رادر راستای توسعه تجارت به ویژه صادرات با این کشورها اتخاذ مینمود تا حجم صادرات روزتا روز ارتقاء یابد، که از جمله میتوان از اغاز اشتهارات تجارتي پیرامون اقلام صادراتی افغانستان به این کشورها، تاسیس فابریکات پاک کاری و بسته بندی کشمش و سایر میوجات افغانی، ایجاد نمایندگیها جهت سازماندهی فروش اقلام صادراتی افغانستان چون نمایندگیهای دافغانستان بانک در لندن و نیویارک، نمایندگیهای بانک ملی افغان در لندن، نیویارک و هامبورگ و نمایندگی های پشتنی تجارتي بانک در پاکستان، هند، فرانسه، المان و جاپان نامبرد. اقلام صادراتی افغانستان به حوزه آزاد شامل میوه جات تازه و خشک، پشم، پخته، قره قل، قالین، محصولات صنایع دستی، روده، نباتات طبی و غیره بود، و بعضاً الی حدود ۵۰ درصد

حجم تجارت خارجی افغانستان را تشکیل میدهد. افغانستان علاقمند بود تا دادوستد بازرگانی را با ممالک بینی لوکس اتحادیه کشور های هالند، بلجیم ولوکسمبورگ وکشور های اتحادیه اروپا که جدیداً تشکیل یافته و در حال گسترش بود توسعه دهد، زیرا امکانات توسعه صادرات محصولات افغانی مانند قالین، روده، صنایع دستی، پخته و غیره درین کشورها میسر بود. وزارت تجارت جهت فروش تریاک با کمپنی های مجاز بین المللی تماس حاصل و یک مقدار تریاک که از طرف مامورین گمرکات ضبط میگردد، از طریق کمپنی های یوگوسلاوی، فرانسه، امریکا، انگلستان و هالند بفروش میرسد. در بخش توسعه روابط تجاری افغانستان با کشورهای جهان و استفاده اعظمی از تسهیلاتی که این کشورها طبق توافقات بین المللی به کشورهای عقب مانده و گذار شده بودند، دولت تلاش بخرچ داد تا از اتحادیه اروپا و کشورهای پیشرفته جهان، "ترجیحات گمرکی را برای اقلام صادراتی افغانستان مانند سایر کشورهای کمترین انکشاف یافته بدست آورد که نتایج آن مثبت بود و در برخی موارد این خواست افغانستان برآورده شد. ادامه دارد